

مطالعات هرمنوتیک: چالش‌ها و راهکارها در استحکام داده‌ها

آریا همدان‌چی^۱، نسیمه زنجری^۲، حمیدرضا خانکه^۳، یداله ابوالفتحی ممتاز^۴

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۷/۳۰ تاریخ پذیرش ۱۳۹۹/۱۲/۲۷

چکیده

پیش‌زمینه و هدف: استفاده از متدهای کیفی در حیطه‌های مختلف از جمله مطالعات سلامت رو به گسترش است. یکی از چالش‌هایی که محققین در مطالعات هرمنوتیک با آن مواجه می‌شوند، استحکام داده‌ها می‌باشد. از آنجایی که این مطالعات در روند پژوهش، قائل به یافتن واقعیت ثابت خارجی نیستند، کاربرد معیارهای سنتی برای سنجش میزان انطباق نتایج آنان با واقعیت، چالش‌برانگیز توصیف گردیده است. هدف از این مطالعه، بررسی چالش‌های استفاده از این‌گونه معیارها و نیز معرفی راهکارهای اختصاصی منطبق بر متد هرمنوتیک می‌باشد.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه منابع انگلیسی با استفاده از کلیدواژه‌های مرتبط، از طریق جستجو در پایگاه‌های گوگل اسکالر، پاب مد و آی اس آی در خردادماه ۱۳۹۹ استخراج شدند. با مطالعه چکیده و تمام متن، ۱۳ مقاله که مستقیماً به موضوع مطالعه ارتباط داشتند انتخاب گردیدند و ۱۲ مقاله دیگر نیز با استفاده از تجربیات محققین و استنادهای مرتبط با مقالات فوق در تحلیل داده‌ها بکار گرفته شدند. محتوای این منابع با رویکرد مرور انتقادی مورد تحلیل و مقایسه قرار گرفت.

یافته‌ها: تحلیل داده‌ها نمایانگر اختلاف در روش‌های پیشنهادی برای استحکام داده‌ها در تحقیقات هرمنوتیک می‌باشد. اگرچه برخی از محققین استفاده از چهار معیار عمومی اعتبار پذیری، انتقال‌پذیری، قابلیت اطمینان و تأییدپذیری را برای استفاده در این حیطه، با ارائه مفاهیم جدید امکان‌پذیر می‌دانند، تفاوت در دیدگاه‌های تئوریک و روش‌شناسی منجر به ارائه و به‌کارگیری مؤلفه‌های جدیدتر مثل "تلفیق متعادل، آشکار بودن، صراحت، طنین و شکوفایی" برای بیان استحکام داده‌ها در مطالعات هرمنوتیک شده است.

بحث و نتیجه‌گیری: با یک معیار واحد نمی‌توان تمامی انواع مطالعات کیفی را از لحاظ استحکام داده‌ها ارزیابی نمود و به‌کارگیری معیارهای عمومی برای بررسی استحکام داده‌ها در مطالعات هرمنوتیک نیز مشکل‌ساز گزارش گردیده است. نتایج این مطالعه می‌تواند به محققین پژوهش‌های کیفی خصوصاً هرمنوتیک کمک نمایند تا برای مفاهیم مرتبط به استحکام داده‌ها از شاخص‌های متناسب با روش تحقیق خود استفاده کنند. به نظر می‌رسد استفاده از معیارهای اختصاصی منطبق بر چارچوب فلسفی و روش‌شناسی هرمنوتیک مثل مفاهیم ارائه‌شده توسط دویت و پلگ، هرچند نیاز به گسترش و مطالعه بیشتر دارند ولی برای این منظور مناسب‌تر از معیارهای عمومی باشند.

کلیدواژه‌ها: استحکام داده‌ها، پدیدارشناسی، هرمنوتیک، تحقیقات کیفی

مجله پرستاری و مامایی، دوره نوزدهم، شماره دوم، پیدایی ۱۳۹، اردیبهشت ۱۴۰۰، ص ۱۲۷-۱۱۹

آدرس مکاتبه: تهران، اوین، بلوار دانشجو، بن‌بست کودکان، دانشگاه علوم توان‌بخشی و سلامت اجتماعی، مرکز تحقیقات سالمندی تلفن: ۰۲۱۲۲۱۸۰۰۰۴

Email: yabolfathi@gmail.com

از آنجایی که پدیدارشناسی به محقق اجازه می‌دهد تا پدیده را از دیدگاه فردی که آن را تجربه می‌کند مورد بررسی قرار دهد، همانند

مقدمه

^۱ دکتری تخصصی سالمند شناسی، مرکز تحقیقات سالمندی، دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی، تهران، ایران

^۲ استادیار مرکز تحقیقات سالمندی، دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی، تهران، ایران

^۳ استاد مرکز تحقیقات سلامت در حوادث و بلایا، دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی، تهران، ایران

^۴ دپارتمان علوم بالینی و آموزشی، موسسه کارولینسکا، استکهلم، سوئد

^۵ دانشیار مرکز تحقیقات سالمندی، دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

^۶ موسسه تحقیقات سالمندی مالزی، دانشگاه پوترای مالزی، سلانگور، مالزی

قرار دارند ولی به کارگیری معیارهای چهارگانه فوق را شروعی برای پاسخ به نیاز استحکام داده‌ها در تحقیقات کیفی از طریق معادل‌سازی "روایی درونی، روایی بیرونی، پایایی و عینیت" که در تحقیقات کمی کاربرد داشتند، می‌دانستند (۷). توجه به این نکته مهم است که معیارهای گویا در زمانی نگاشته شده‌اند که رویکردهای پوزیتیویستی بر علوم اجتماعی غالب بوده و هرگونه مطلب جدید در علوم اجتماعی حتی در تحقیقات تفسیری نیز بر اساس آن معیارها ارزیابی می‌شده است. بنابراین چندان دور از ذهن نیست که معیارهای ارائه شده توسط "گویا" نیز بسیار نزدیک به تحقیقات کمی بوده باشند (۸). به همین دلیل انتقاداتی به کاربرد عمومی این معیارها در تحقیقات کیفی وارد شده و بازنگری آن‌ها مورد تأکید قرار گرفته است (۹). هدف از ارائه این مقاله بررسی چالش‌های استفاده از معیارهای عمومی استحکام داده‌ها در تحقیقات پدیدارشناسی تفسیری و معرفی راهکارهای اختصاصی منطبق بر مبانی فلسفی پدیدارشناسی تفسیری می‌باشد.

مواد و روش کار

در این مطالعه معیارها و مفاهیم ارائه شده در مورد استحکام داده‌ها در پدیدارشناسی تفسیری با رویکرد مرور انتقادی مورد تحلیل قرار گرفته است. این رویکرد عمدتاً به نقد ابعاد محتوا و ایده‌های تئوریک مقالات توجه دارد و به همین دلیل متون برای آشکار ساختن مشکلات، نقاط ضعف، تضادها و تناقض‌ها بررسی می‌گردد. برخلاف مرورهای نظام‌مند، مرور انتقادی الزاماً از روش‌های صریح و آشکار جستجو، تحلیل و ترکیب پیروی ننموده و لذا کیفیت آن بیشتر به مهارت‌های محقق و یا محققین بستگی دارد. اگرچه مرور انتقادی بیش از آنکه به دنبال یافتن پاسخ باشد به طرح پرسش‌های انتقادی توجه دارد ولی درعین حال سعی در شناسایی دانشی می‌کند که لازم است در آینده تولید شود (۱۰).

در مطالعه حاضر ابتدا منابع مرتبط با موضوع تحقیق از طریق پایگاه‌های گوگل اسکالر، پاب مد و آی اس آی با استفاده از کلیدواژه‌های انگلیسی معادل با استحکام داده‌ها (Rigor OR Rigour OR Trustworthiness) یا اعتبار (Validity) و پدیدارشناسی یا هرمنوتیک یا تحقیقات کیفی در عنوان، در خردادماه ۱۳۹۹ جستجو شدند. با مطالعه چکیده و تمام متن، ۱۳ مقاله که مستقیماً به موضوع مطالعه ارتباط داشتند انتخاب گردیدند. ۱۲ منبع دیگر نیز با استفاده از تجربیات محققین و اسنادهای مرتبط با مقالات فوق در تحلیل داده‌ها بکار گرفته شدند. این مطالعه

سایر روش‌های تحقیق کیفی به‌طور گسترده در حیطه‌های مختلف از جمله علوم سلامت مورد استفاده قرار گرفته است (۱). تقسیم‌بندی‌های مختلفی برای معرفی رویکردهای پدیدارشناسی ارائه شده ولی به‌طور خلاصه می‌توان گفت که دو رویکرد اصلی در پدیدارشناسی وجود دارد. به متدهایی که صرفاً سعی در توصیف تجربه داشته و عمدتاً تحت تأثیر پدیدارشناسی هوسرل^۱ می‌باشد، پدیدارشناسی توصیفی و به رویکردهای تفسیری که با استفاده از آموزه‌های هایدگر^۲ و سایر فیلسوفان هرمنوتیک تدوین شده است، متدهای پدیدارشناسی تفسیری و یا هرمنوتیک گفته می‌شود (۲). اگرچه متدهایی مثل تحلیل محتوا، گراند تئوری و قوم‌نگاری به‌نوعی به تجربه درک شده توسط شرکت‌کنندگان توجه دارند ولی فقط پدیدارشناسی است که معنا، مفهوم و ساختار تجربه مستقیم، آگاهانه و بلافصل افراد از پدیده خاص زیسته شده را مورد بررسی قرار می‌دهد (۴) یکی از موضوعات مهم در پدیدارشناسی ارزیابی و تأیید نتایج مطالعه انجام شده می‌باشد که به آن استحکام داده‌ها گفته می‌شود. موضوع استحکام داده‌ها در تحقیقات کیفی از مدت‌ها قبل، بحث‌برانگیز بوده است. اهمیت این موضوع در آن است که اگر تحقیقات کیفی نتوانند نتایج معتبری را ارائه کنند، نمی‌توانند مبنای مطالعات برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری قرار گیرند (۵). به‌طور سنتی بسیاری از محققین از معیارهای ارائه شده توسط گویا^۳ برای نشان دادن استحکام داده‌ها در تحقیقات مختلف کیفی استفاده می‌کنند. وی در سال ۱۹۸۱ چهار خصوصیت اعتبار پذیری^۴، انتقال‌پذیری^۵، قابلیت اطمینان^۶ و تأییدپذیری^۷ را برای تأیید نمودن استحکام داده‌ها در تحقیقات کیفی معرفی نمود (۶). از نظر وی اعتبارپذیری معادل با روایی درونی، انتقال‌پذیری معادل با روایی بیرونی، قابلیت اطمینان معادل با پایایی و تأیید پذیری معادل با عینیت در تحقیقات کمی است. اعتبارپذیری به معنای انطباق نتایج با واقعیت و یا همخوان بودن نتایج حاصل از داده‌ها با فنومن - با فرض اینکه مطالعه می‌تواند به یک واقعیت واحد دست پیدا کند - می‌باشد. در پارادایم عقل‌گرایی روایی خارجی و یا تعمیم‌پذیری به معنای آن است که با تغییر در زمان و موقعیت، تغییری در نتایج حاصل نشود. البته گویا به این واقعیت اذعان دارد که یک فنومن می‌تواند وابسته به زمان و شرایط باشد. وی روایی را حاصل پایایی ارزیابی می‌کند و به عبارت دیگر روایی را نوعی عملکرد پایایی معرفی می‌نماید و عینیت را منوط به بکارگیری متد صحیح می‌داند (۶). گویا و نیز لینکلن^۸ به این مطلب واقف بودند که تحقیقات کمی و کیفی از نظر هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و متدولوژی در دو پارادایم متفاوت

⁵ Transferability

⁶ Dependability

⁷ Confirmability

⁸ Lincoln

¹ Husserl

² Heidegger

³ Guba

⁴ Credibility

به‌عنوان قسمتی از رساله دکتری در دانشگاه علوم توان‌بخشی و سلامت اجتماعی بوده که با کد اخلاقی IR.USWR.REC.1398.014 به ثبت رسیده است.

یافته‌ها

با بهره‌گیری از مفاهیم ارائه شده توسط گوبا، فنون مختلفی برای ارزیابی چهار خصوصیت اعتبار پذیری، انتقال‌پذیری، قابلیت اطمینان و تأییدپذیری معرفی شده‌اند (۶). شنتون^۱ با استفاده از همین مفاهیم، فنون متعددی را برای حصول به هرکدام از این مفاهیم چهارگانه تعریف نموده است (۱۱). کرسول^۲ و میلر^۳ نیز ۹ روش معمول برای تحقق‌روایی در تحقیقات کیفی را به‌صورت عام معرفی می‌نمایند: (۱) درگیری طولانی‌مدت با داده‌ها و مشاهده مداوم، (۲) مثلث‌سازی، (۳) چک با هم‌تایان، (۴) جستجوی موارد منفی و یا مخالف، (۵) توضیح تجربیات، عقاید، باورها و تعصبات محقق که می‌تواند بر تفسیر نتایج تأثیرگذار باشد، (۶) چک با شرکت‌کنندگان، (۷) ارائه توصیف غنی از یافته‌ها، (۸) داوری و یا ممیزی خارجی (۹) همکاری نزدیک با شرکت‌کنندگان (۱۲).

این در حالی است که از نظر لئونگ^۴ تلاش برای ارزیابی مطالعات مختلف زیر یک چتر واحد نه تنها امکان‌پذیر نیست بلکه از نظر تئوریک غلط می‌باشد (۱۳). ساندلوسکی^۵ نیز فنون جاری بکار رفته توسط محققین برای حصول به استحکام داده‌ها را چالش‌برانگیز می‌داند. از نظر وی لغت Rigor دارای سختی و خشونت است که می‌تواند یک تهدید برای ارائه دادن یک اثر هنرمندانه، تطبیق‌پذیر و حساس به معانی متن-که کار کیفی را متمایز می‌کند- محسوب شود. این لغت متأسفانه با مفهومی خشک برای دفاع از پروژه‌های کیفی در قبال تهدیداتی که می‌تواند متوجه روایی تحقیق شود، بکار برده می‌شود (۱۴). به‌رحال برخی از روش‌شناسان هنوز بر این باور هستند که مفاهیم این لغات می‌توانند به صورتی تصحیح و تعریف شوند که در تمامی تحقیقات کیفی کاربرد داشته باشند (۹). با توجه به این اختلاف‌نظرها کوهن^۶ و همکاران پیشنهاد داده‌اند به‌جای استفاده از مفاهیمی مثل روایی، پایایی، استحکام داده‌ها، ریگور و کیفیت از کلماتی مثل کاهش تورش^۷ استفاده شود (۱۵).

در این زمینه کوچ^۸ اعتقاد دارد مؤلفه‌های چهارگانه گوبا با تحقیقات هرمنوتیک انطباق‌پذیر است (۱۶) و "بک"^۹ و همکاران نیز از کاربرد این معیارها در پدیدارشناسی دفاع کرده و آن‌ها را جایگزین

مناسبی برای مفاهیم مشابه در پارادایم پوزیتویستی می‌دانند (۱۷). البته سه‌متد پدیدارشناسی بررسی‌شده در مقاله "بک" توصیفی بوده و محققین وارد بحث پدیدارشناسی تفسیری نشده‌اند. این در حالی است که بر اساس نظر دویت^{۱۰} و پلگ^{۱۱} معیارهای بررسی استحکام داده‌ها در پدیدارشناسی توصیفی و تفسیری نیز با یکدیگر متفاوت‌اند (۱۸). در پدیدارشناسی توصیفی پیش‌زمینه‌های فکری محقق می‌تواند عاملی برای ایجاد تورش باشند و از این لحاظ به تعلیق درآوردن آنان مورد تأکید قرار گرفته است (۱۹). به همین دلیل، به تعلیق درآوردن در برخی از مطالعات توصیفی به‌عنوان یک شاخص استحکام داده‌ها در نظر گرفته شده است (۲۰، ۲۱). درحالی‌که از نظر تئوریک و نیز روش‌شناسی در دیدگاه‌های پدیدارشناسی تفسیری که مبتنی بر آموزه‌های هایدگر می‌باشد، جداسازی پیش برداشت‌های محقق، امکان‌پذیر نبوده و آشنایی محقق با پدیده نکته قوت مطالعه به شمار می‌رود (۲۲، ۲۳).

آرمور^{۱۲} و همکاران نیز اعتقاد دارند که یک روش واحد برای افزایش کیفیت در تمام تحقیقات کیفی وجود ندارد. آن‌ها پیشنهاداتی را برای ارزیابی استحکام داده‌ها در تحقیقات هرمنوتیک ارائه می‌دهند: ارزیابی پارادایمی که برای پاسخ به سؤال تحقیق در نظر گرفته شده است، ارزیابی تجربیات قبلی محقق توسط یک مشاور برای پیش‌بینی تورش‌های احتمالی، ارزیابی محیط تحقیق و روشی که برای اخذ پاسخ مناسب از شرکت‌کنندگان بکار گرفته شده، ارزیابی عدم آشنایی کافی محقق با پارادایم بکار رفته و موضوع تحقیق، ارائه لیستی از چالش‌ها و محدودیت‌های تحقیق به خواننده و پیروی از روش‌های معمول افزایش استحکام داده‌ها مثل چک نتایج با شرکت‌کنندگان که در دو مطالعه گزارش شده توسط آنان، بر آن تأکید شده است (۲۴).

روایی از نظر آکرلیند^{۱۳} به این صورت ارزیابی می‌شود که مطالعه با موضوعی که هدف آن بوده چقدر همخوانی داشته است و نتایج مطالعه تا چه حد منعکس‌کننده پدیده می‌باشد. او درعین حال متذکر می‌شود که بر خلاف تحقیقات کمی در پدیدارشناسی محقق بیشتر از آنکه به دنبال پیدا کردن یک واقعیت خارجی باشد، به دنبال درک عمیق تجربه درک شده توسط شرکت‌کنندگان است. بنابر این برای ارتقا کیفیت این گونه مطالعات می‌بایست بیشتر به در نظر گرفته شدن هدف مطالعه در متد استفاده شده، توجه نمود (۲۵). این در حالی است که از نظر لئونگ روایی خارجی و یا

⁸ Koch

⁹ Beck

¹⁰ De Witt

¹¹ Ploeg

¹² Armour

¹³ Åkerlind

¹ Shenton

² Creswell

³ Miller

⁴ Leung

⁵ Sandelowski

⁶ Cohen

⁷ reducing bias

انتقال‌پذیری مناسبی با بسیاری از تحقیقات کیفی ندارد، زیرا مطالعات کیفی بر روی یک موضوع و یا پدیده مشخص در گروه‌های معین در شرایط مربوطه به خود تمرکز می‌کنند و عمومیت‌پذیری یک صفت مشخص آن‌ها به شمار نمی‌رود (۱۳).

به هر حال فنون ارائه شده برای نشان دادن استحکام داده‌ها در تحقیقات کیفی و خصوصاً پدیدارشناسی با نقدهایی همراه بوده‌اند (۸). بسیاری از محققین از پایایی برای نشان دادن روایی کار خود استفاده می‌کنند به صورتی که ادعا دارند یافته‌های حاصل از تجربیات مختلف در طول زمان دارای پیوستگی بوده و یا نتایج تحلیل توسط پانل خبرگان و یا سایر افراد تأیید شده‌اند. در همه این موارد پیش فرض بر این بوده است که واقعیت چیزی است خارجی و حاصل اجماع و تأیید نظرات ولی چیزی که در این میان به بونه فراموشی سپرده شده است آن است که در پارادایم تفسیری، واقعیت عنصری خارجی و قابل لمس نبوده بلکه چندگانه، مبتنی بر تفسیر و ساختارمند محسوب می‌شود. از دیدگاه پدیدارشناسی پایایی و تکرارپذیری شرط لازم و کافی محسوب نمی‌شود (۱۴). زمان و مکان زیسته (تمپورالیتی^۱ و اسپاشیالیته^۲) در هرمنوتیک به ما می‌گوید تجربه زیسته به مکان و زمان خاص بستگی دارد و تجربه افراد از یک پدیده ممکن است در شرایط مختلف، متفاوت باشد (۲۳). بنابراین در تحقیقات کیفی نمی‌توان انتظار تکرار نتایج را در شرایط متفاوت داشت (۱۴).

در بسیاری از تحقیقات کیفی از چک کردن با شرکت‌کنندگان برای انعکاس استحکام داده‌ها استفاده می‌شود. وارپیو^۳ و همکاران انجام این تکنیک را مورد انتقاد قرار می‌دهند و اعتقاد دارند محقق، دارای رویکردی تفسیری و تحلیلی نسبت به حجم زیادی از داده‌هاست، در صورتی که ارائه روایت‌ها توسط شرکت‌کنندگان بیشتر توصیفی بوده و عدم توافق شرکت‌کنندگان با محقق نمی‌تواند به قطعیت نشان دهنده پایین بودن کیفیت تحقیق باشد (۲۶). در برخی از مطالعات پدیدارشناسی از حضور یک تحلیل‌گر دوم استفاده می‌شود. از نظر مک‌گایا^۴ و اورسو^۵ وجود دیدگاه‌های متعدد برای تحلیل داده‌ها نه تنها روایی ماحصل تحقیق را بالا نمی‌برد بلکه ممکن است نتیجه معکوس داشته باشد. آن‌ها نیز چک با شرکت‌کنندگان را از آن نظر دارای مشکل می‌داند که نظرات آن‌ها ممکن است در طی زمان و شرایط مختلف تغییر کند (۲۷). ساندلوسکی نیز انجام "چک کردن نتایج با شرکت‌کنندگان" برای دستیابی به استحکام داده را زیر سؤال برده است و با تکیه بر متفاوت بودن تجربیات افراد گوشزد می‌کند که در انجام این روش شرکت‌کنندگان بیشتر بر نتایج

منطبق با تجربیات شخصی خود صحنه می‌گذارند تا دیگران. در عین حال داستان‌های گفته شده توسط آنان ممکن است فراموش شود. حتی در طی زمان ممکن است یک روایت تراژدیک از یک تجربه به روایتی رومانیتیک مبدل شود. در عین حال انجام "چک کردن نتایج با شرکت‌کنندگان" و اصلاح یافته‌ها به صورتی که نقطه نظرات همه آنان را برآورده نماید می‌تواند موجب خطاهای فاحش در تحلیل داده‌ها شود (۱۴).

یکی دیگر از فنون توصیه شده برای استحکام داده‌ها در تحقیقات کیفی استفاده از متدهای متفاوت برای انجام مثلث‌سازی^۶ می‌باشد. به‌طور خلاصه مثلث‌سازی عبارت است از به‌کارگیری روش‌های مختلف در جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها (۲۸). از نظر باربر^۷ این روش صرفاً می‌تواند تأیید کننده نتایج در صورت رسیدن به یافته‌های مشترک باشد ولی تفاوت در نتایج، دلیلی بر رد کردن یافته‌ها نیست. روش‌های مختلف در تحقیقات کیفی مجموعه‌هایی موازی از داده‌ها را ارائه می‌دهند به صورتی که هر کدام از آن‌ها فقط بخشی از یک تصویر کلی را نمایان می‌کند (۲۹). در مورد مثلث‌سازی وارپیو و همکاران این ایراد را وارد می‌دانند که معمولاً محققین به استفاده از مثلث‌سازی اشاره می‌کنند ولی توضیح نمی‌دهند که این استفاده از منابع و روش‌های مختلف چگونه در آنالیز آن‌ها منظور گردیده است. در عین حال در صورتی که این متد در مورد روش‌های تفسیری پدیدارشناسی بکار رود، نمی‌توان انتظار داشت که نتایج حاصل از جمع‌آوری داده‌ها توسط روش‌ها و افراد مختلف یکسان باشد و موضوع پیچیده‌تر هم خواهد شد. در برخی از تحقیقات کیفی مثل هرمنوتیک، همگرا نبودن تمامی نتایج نه تنها نقطه ضعف به شمار نمی‌رود بلکه می‌تواند ناشی از غنی بودن درک پدیده بوده باشد و محقق را به اکتشاف بیشتر راهنمایی نماید. پیروی نمودن از این نوع مثلث‌سازی ممکن است بر تعدادی از تحقیقات کیفی مؤثر باشد ولی استفاده عمومی از آن منجر به ارائه تفسیر اشتباه خواهد شد (۲۶). از نظر باربر اگر چه امکان فراهم کردن چک لیست‌هایی برای ارزیابی نحوه نمونه‌گیری، کدگذاری چندگانه، مثلث‌سازی و چک با شرکت‌کنندگان وجود دارد ولی برای انجام ارزیابی‌ها در تحقیقات کیفی به چیزی متفاوت نیاز است، به نحوی که متناسب با ماهیت تحقیقات کیفی باشد (۲۹).

وارپیو و همکاران پیشنهاد می‌دهند به جای استفاده از این روش‌ها، محقق سعی در ارائه دلایل خود برای انتخاب نوع روش جمع‌آوری داده‌ها، انتخاب شرکت‌کنندگان و تحلیل داده‌ها نماید. در عین حال توصیف شفاف متد می‌تواند قدم مهمی به سوی حصول

⁵ Urso

⁶ Triangulation

⁷ Barbour

¹ Temporality

² Spatiality

³ Varpio

⁴ McGaha

- آیا محقق روند مشخصی از تحلیل (مثلاً روند پیشنهاد شده توسط موسستاکا^۶) را استفاده نموده است؟
 - آیا محقق عنصر کلی تجربه شرکت‌کنندگان را بیان نموده و آنرا در متنی که تجربه در آن واقع شده است توصیف کرده است؟
 - آیا محقق در طی مطالعه منعکس‌کننده تجربیات بوده است؟
- از جمله مطالعات مروری که انجام شده و نتایج آن با شفافیت به صورت ارائه مولفه‌های مشخص برای افزایش استحکام داده‌ها در تحقیقات هرمنوتیک بیان گردیده است می‌توان به مطالعه دویت و پلگ اشاره نمود (۱۸). آن‌ها با مرور منابع، مفاهیم مرتبط با استحکام داده‌ها در روش‌های هرمنوتیک مثل ون منن^۷ را جمع‌آوری و به صورت خلاصه در پنج اصطلاح زیر خلاصه نموده‌اند: تلفیق متعادل^۸، آشکار بودن^۹، صراحت^{۱۰}، طنین^{۱۱}، و شکوفایی^{۱۲} (جدول ۱)
- اطمینان و شفافیت مطالعه باشد (۲۶). استیوز^۱ لغت ریگور را پاسخ دادن به دو سؤال زیر معرفی می‌نماید (ص ۹۵): آیا من به‌عنوان یک خواننده دقیقاً می‌دانم که چه کاری توسط محقق انجام گرفته است؟ آیا من دلیل انجام کارهای محقق را می‌دانم (می‌دانم که چرا آن کار را انجام داده؟). از نظر او در حقیقت ما به دنبال آن نیستیم که بدانیم آیا روش‌ها و قواعد یکسان در تحقیقات کیفی دقیقاً پله به پله طی گردیده است، بلکه به دنبال اطمینان از این هستیم که تحلیل‌ها بر پایه تفکر عمیق بوده و جوانب مختلف و انشعابات آن در نظر گرفته شده باشند (۱۵).
- کراسول و پات^۲ پاسخ سؤالات زیر را به‌عنوان استانداردهایی برای ارزیابی کیفیت تحقیقات پدیدارشناسی پیشنهاد می‌نمایند (۳۰):
- آیا محقق اصول فلسفی پدیدارشناسی را بکار گرفته است؟
 - آیا محقق به‌طور اختصار فنومن مورد مطالعه خود را به روشنی بیان نموده است؟

جدول (۱): معیارهای دویت و پلگ و ویژگی‌های آنان (۱۸)

ویژگی	معیار
بیان مفاهیم فلسفی مطالعه که با دیدگاه‌های محقق و موضوع پژوهش همخوانی داشته باشد، به‌کارگیری عمیق مفاهیم فلسفی در متد و نتایج، تعادل بین صدای مشارکت‌کننده و توضیحات فلسفی	تلفیق متعادل
آشکار بودن روند موشکافانه مطالعه، به نحوی که تصمیم‌گیری‌های محقق در روند مطالعه پدیدارشناسی تفسیری به صورت سیستماتیک روشن باشند.	آشکار بودن
نوشتن متن صریح همراه با مثال‌هایی که خواننده را در موقعیتی که تجربه زیسته در آن واقع شده قرار دهد، به نحوی که شرایط زمانی و فرهنگی پدیده برای خواننده ملموس باشد.	صراحت
تجلی احساس عمیق در خواننده و درک آن به صورتی که با درک متن تحت تأثیر قرار گیرد، تأثیر آبی و شهودی بر روی خواننده هنگام درک معنا و مفهوم پدیده	طنین
استمرار طنین در زمان آینده، مورد تأیید قرار گرفتن تفاسیر ارائه شده در آینده توسط خوانندگان	شکوفایی

مضمون "صراحت" مبتنی بر آن است که متن باید به صورتی نوشته شود که خوانندگان را در شرایطی که تجربه در آن واقع شده قرار داده و به تجربیات آنان در جهان زیسته متصل شود. دویت و پلگ با توجه به توصیه ون منن اعتقاد دارند که نوشتار هرمنوتیک می‌بایست فرد را در بستر تجربیات روزمره دنیای خارج به پدیده پیوند دهد.

دویت و پلگ معیار طنین را نیز از مفاهیم ارائه شده توسط نویسندگانی مثل ون منن (۲۳) برگرفته‌اند. آنان با استفاده از این

تلفیق متعادل از نظر دویت به معنای بیان مفاهیم فلسفی متناسب با محقق و عنوان تحقیق، در هم آمیختگی مفاهیم فلسفی با متد و نتایج، و ایجاد تعادل بین روایت شرکت‌کنندگان و توضیحات فلسفی می‌باشد.

آشکار بودن شامل ثبات و تعهد محقق در همسویی تمرکز بر پدیده مورد بررسی در طول روند تحقیق است. بررسی موشکافانه و نظام‌مند وی در این روند تصمیم‌گیری‌های متعدد می‌بایست آشکار باشد.

⁶ Openness
⁷ Concreteness
⁸ Resonance
⁹ Actualization

¹ Steeves
² Poth
³ Mustaka
⁴ Van Manen
⁵ Balanced integration

تحقیقات خاص کیفی را مشخص نموده و یا با یک روند خاص تمامی تهدیدات روایی را برطرف نمود، این نوع روایی‌های تعریف شده بیش از آنکه یک مشکل تکنیکال محسوب شود یک معضل تئوریک بزرگ در تحقیقات کیفی می‌باشد و نیل به استحکام داده‌ها بر اساس این گونه قواعد، نوعی تخریب ماهیت کار پدیدارشناسی نیز محسوب می‌شود (۱۴). برخلاف این قواعد، وایت هد^۴ اعتقاد دارد که مشخص نمودن زمینه‌های تئوریک روش‌شناسی و متصل نمودن آن به روش بکار گرفته شده در تحقیق برای ایجاد استحکام داده‌ها لازم است (۳۳). از نظر کوچ برای وصول به استحکام داده‌ها در هرمنوتیک هر تصمیمی که محقق در تحلیل داده‌ها می‌گیرد، می‌بایست مبتنی بر این چارچوب تئوریک بوده باشد و برای دیگران شفاف باشد (۱۶). شواهد نمایانگر آن است که توصیه‌های کاربردی ارائه شده در روش‌های هرمنوتیک مثل ون منن می‌توانند برای نشان دادن استحکام داده‌ها نیز بکار گرفته شوند که مورد توجه محققینی مثل دویت و پلگ قرار گرفته است (۳۴). استفاده از این مفاهیم می‌تواند همخوانی بیشتری با ارائه استحکام داده‌ها در تحقیق هرمنوتیک داشته باشد.

به‌عنوان نتیجه‌گیری می‌توان گفت، اگرچه معیارهای چهارگانه گوبا یک شروع قابل توجه برای پاسخ به نیاز به کارگیری معیارهایی مشخص برای حصول به استحکام داده‌ها در تحقیق کیفی محسوب می‌شوند ولی باید توجه داشت ارائه شاخص‌هایی که در تمام روش‌های کیفی از جمله هرمنوتیک کاربرد داشته باشند مشکل ساز و غیر ممکن قلمداد گردیده است. یافته‌های مبتنی بر هرمنوتیک شدیداً وابسته به تجربه پدیده در شرایط زمانی و مکانی خاص خود بوده که ممکن است تلاش برای اثبات رسیدن به یک نتیجه واحد و اتفاق نظر بین محققین و یا حتی شرکت‌کنندگان مختلف را با چالش‌های زیادی مواجه کند. به نظر می‌رسد معیارهای اختصاصی منطبق بر چارچوب فلسفی و روش‌شناسی هرمنوتیک مثل مفاهیم ارائه شده توسط دویت و پلگ، هر چند نیاز به گسترش و مطالعه بیشتر دارند ولی برای این منظور مناسب‌تر از معیارهای عمومی گوبا باشند. نتایج این مطالعه می‌تواند به محققین پژوهش‌های کیفی خصوصاً هرمنوتیک کمک نماید تا برای مفاهیم مرتبط به استحکام داده‌ها از شاخص‌های متناسب با روش تحقیق خود استفاده کنند.

مفاهیم طنین را به معنای تأثیر متن بر روی خواننده و تجلی درک شهودی از معانی زیسته معرفی می‌نمایند و به نقل از ری^۱ (۳۱) متن را زمانی تأثیرگذار می‌دانند که با خودشناسی خواننده پیوند بخورد.

شکوفایی، ماحصل تحقق تأثیر نتایج مطالعه بر خواننده (طنین) است. مطالعه هرمنوتیک با تمام شدن پروژه به پایان نمی‌رسد و همچنان خوانندگان به تفسیر آن ادامه خواهند داد. از نظر مادیسون^۲ گذشت زمان چیزی است که می‌تواند بالقوه تأیید کننده تفسیر نویسنده باشد (۳۲). در حال حاضر مکانیسم مشخصی برای اندازه‌گیری این مفهوم وجود ندارد (۱۸).

بحث و نتیجه‌گیری

عمومیت دادن معیارهای ارائه شده توسط گوبا به تمامی روش‌های تحقیق‌های کیفی و خصوصاً هرمنوتیک با بحث زیادی مواجه شده است. لغات روایی و پایایی دارای ریشه پوزیتویستی می‌باشند و منجر به آن شده است که بسیاری از صاحب نظران به کارگرفتن آنان را در روش‌های کیفی مثل پدیدارشناسی به نقد بکشند. بحث‌های انجام شده در مورد استفاده از این لغات در مورد انتقال مفاهیم استحکام و دقت داده‌ها به پدیدارشناسی خود موید این اختلاف‌نظرها می‌باشند. آکرلیند معتقد است که این معیارها می‌بایست با توجه به فرضیات هستی‌شناسانه و معرفت‌شناختی در روش‌های مختلف مورد بازبینی قرار گیرند (۲۵). حاصل تکیه نمودن بر روی این معیارهای سنتی آن است که محقق به‌جای آنکه به دنبال پدید آوردن اثری تأثیرگذار، مبتنی بر زندگی و ترسیم مناظری از دیدگاه شرکت کننده با استفاده از تجربیات ناب انسانی باشد (که در حقیقت بهترین آزمون برای استحکام داده‌ها در کار کیفی است) توجه بیش از اندازه به برقراری استحکامات در مقابل ایرادات دیگران نماید (۱۴). به دلایل متعدد استفاده از روش‌هایی مثل پانل خبرگان، چک با همتایان^۳ و مثلث سازی برای رسیدن به یک توافق جمعی و همگرا در پدیدارشناسی تفسیری نامناسب توصیف گردیده‌اند (۲۶، ۲۷، ۲۹). نتیجه کاربرد نوع رویکردهای کمی در تحقیقات کیفی آن است که به‌طور پیش‌رونده از ترسیم تصویر داستان گونه دور و به سمت و سوی فرایندهایی که در تحقیقات کمی انجام می‌شود، متمایل شویم. از آنجایی که با یک قاعده واحد نمی‌توان روایی همه

1. Khankeh H, Ranjbar M, Khorasani-Zavareh D, Zargham-Boroujeni A, Johansson E. Challenges in

References:

4 Whitehead

1 Ray

2 Madison

3 Peer Check

- conducting qualitative research in health: A conceptual paper. *Iran J Nurs Midwifery Res* 2015;20(6):635-41.
2. Davidsen AS. Phenomenological approaches in psychology and health sciences. *Qual Res Psychol* 2013;10(3):318-39.
3. Lopez KA, Willis DG. Descriptive versus interpretive phenomenology: Their contributions to nursing knowledge. *Qual Health Res* 2004;14(5):726-35.
4. Van Manen M. But Is It Phenomenology? *Qual Health Res* 2017;27(6):775-9.
5. Maxwell J. Understanding and validity in qualitative research. *Harv Educ Rev* 1992;62(3):279-301.
6. Guba EG. Criteria for assessing the trustworthiness of naturalistic inquiries. *Educational Communication and Technology* 1981;29(2):75.
7. Lincoln YS, Guba EG. But is it rigorous? Trustworthiness and authenticity in naturalistic evaluation. *New Dir Eval* 1986;1986(30):73-84.
8. Collier-Reed BI, Ingerman Å, Berglund A. Reflections on trustworthiness in phenomenographic research: Recognising purpose, context and change in the process of research. *Educ as Chang* 2009;13(2):339-55.
9. Golafshani N. Understanding reliability and validity in qualitative research. *Qual Rep* 2003;8(4):597-607.
10. Shahsavari A, Alamolhoda J. Methodology of Research Reviews and Its Role in Knowledge Production: Developing a Typology. *Methodology of Social Science and Humanities* 2019;25(98):79-105.
11. Shenton AK. Strategies for ensuring trustworthiness in qualitative research projects. *Educ Inf* 2004;22(2):63-75.
12. Creswell JW, Miller DL. Determining validity in qualitative inquiry. *Theory Pract* 2000;39(3):124-30.
13. Leung L. Validity, reliability, and generalizability in qualitative research. *Fam Med Prim Care Rev* 2015;4(3):324.
14. Sandelowski M. Rigor or rigor mortis: the problem of rigor in qualitative research. *ANS Adv Nurs Sci* 1993;16(2):1-8.
15. Cohen MZ, Kahn DL, Steeves RH. Hermeneutic phenomenological research: A practical guide for nurse researchers. California: Sage Publications; 2000.
16. Koch T. Establishing rigour in qualitative research: the decision trail. *J Adv Nurs* 1994;19(5):976-86.
17. Beck CT, Keddy BA, Cohen MZ. Reliability and validity issues in phenomenological research. *West J Nurs Res* 1994;16(3):254-67.
18. De Witt L, Ploeg J. Critical appraisal of rigour in interpretive phenomenological nursing research. *J Adv Nurs* 2006;55(2):215-29.
19. Husserl E. Cartesian meditations: An introduction to phenomenology. Springer Science & Business Media; 2013.
20. Khankeh H, Khorasani-Zavareh D, Hoseini S-A, Khodai-Ardekandi M-R, Ekman S-L, Bohm K, et al. The journey between ideal and real: Experiences of beginners psychiatric nurses. *Iran J Nurs Midwifery Res* 2014;19(4):396.
21. Hamedanchi A, Khankeh HR, Fadayevatan R, Teymouri R, Sahaf R. Bitter experiences of elderly parents of children with intellectual disabilities: A phenomenological study. *Iran J Nurs Midwifery Res* 2016;21(3):278.
22. Kockelmans JJ. Martin Heidegger a First Introduction to His Philosophy. 1965.
23. Van Manen M. Researching lived experience: Human science for an action sensitive pedagogy. New York: Routledge; 2016.
24. Armour M, Rivaux SL, Bell H. Using context to build rigor: Application to two hermeneutic phenomenological studies. *Qual Soc Work* 2009;8(1):101-22.

25. Åkerlind GS. Variation and commonality in phenomenographic research methods. *High Educ Res Dev* 2005;24(4):321-34.
26. Varpio L, Ajjawi R, Monrouxe LV, O'Brien BC, Rees CE. Shedding the cobra effect: problematising thematic emergence, triangulation, saturation and member checking. *Med Educ* 2017;51(1):40-50.
27. McGaha KK, D'Urso PA. A non-traditional validation tool: using cultural domain analysis for interpretive phenomenology. *Int J Soc Res Methodol* 2019;22(6):585-98.
28. Thurmond VA. The point of triangulation. *J Nurs Scholarsh* 2001;33(3):253-8.
29. Barbour RS. Checklists for improving rigour in qualitative research: a case of the tail wagging the dog? *BMJ* 2001;322(7294):1115-7.
30. Creswell JW, Poth CN. *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches*. Sage publications; 2016.
31. Ray MA. The richness of phenomenology: Philosophic, theoretic, and methodologic concerns. *Critical issues in qualitative research methods* 1994:117-33.
32. Madison GB. *The hermeneutics of postmodernity: Figures and themes*. Bloomington: Indiana University Press; 1988.
33. Whitehead L. Enhancing the quality of hermeneutic research: Decision trail. *J Adv Nurs* 2004;45(5):512-8.
34. Hamedanchi A, Zanjari N, Khankeh HR, Abolfathi Momtaz Y. What Does It Mean to Be Never Married in Later Life? Application of Phenomenology in an Aging Study. *Qual Rep* 2021;26(4):1232-47.

HERMENEUTIC STUDIES: CHALLENGES AND STRATEGIES IN TRUSTWORTHINESS

Arya Hamedanchi¹, Nasibeh Zanjari², Hamid Reza Khankeh^{3,4}, Yadollah Abolfathi Momtaz^{5,6}

Received: 21 November, 2020; Accepted: 15 March, 2021

Abstract

Background & Aims: The application of qualitative methods is developing in different fields including the health science. One of the challenges for hermeneutic researchers is the issue of trustworthiness. Given that these studies do not target external reality in their process, traditional criteria to show the correspondence to reality have been reported as controversial. The current study aims to review the challenges of these criteria and introduce exclusive strategies corresponding to hermeneutic studies.

Materials & Methods: Using the related keywords, English papers were searched in “Google Scholar, PubMed, and Web of Science” in June 2020 and the sources were extracted. Having reviewed the abstracts and the full texts, 13 articles directly related to the subject under study were selected. Moreover, another set of 12 pieces of related literature were added by referring to other sources such as the related citations. The collected data were analyzed using a critical review approach.

Results: Data analysis demonstrated differences in the suggested methods for trustworthiness in hermeneutic studies. Although some references indicate that application of “credibility, dependability, transferability and confirmability” is possible in hermeneutics, the difference in theoretical and methodological frameworks have resulted in the introduction of new expressions such as “balanced integration, openness, concreteness, resonance, and actualization” for trustworthiness in hermeneutics studies.

Conclusion: No single criteria can be applied to assess trustworthiness in all qualitative methods. The application of general criteria for judging trustworthiness in hermeneutic studies has been reported as problematic. The present study results can assist researchers of qualitative inquiries particularly those engaged in hermeneutic researches to select appropriate criteria based on the research method. Although further scrutiny is needed, the criteria specifically compatible with hermeneutic studies such as those expressed by De Witt and Ploeg seem more appropriate than the traditional ones.

Keywords: trustworthiness, rigor, phenomenology, hermeneutics, qualitative research

Address : Iranian Research Center on Aging, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Kodakyan Ave., Daneshjo Blvd., Evin Tehran, Iran.

Tel: (+98) 21 22180004

Email: yabolfathi@gmail.com

¹ PhD in Gerontology, Iranian Research Center on Aging, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran

² Assistant Professor, Iranian Research Center on Aging, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran

³ Full professor, Health in Emergency and Disaster Research Center, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran

⁴ Department of Clinical Science and Education, Karolinska Institute, Stockholm, Sweden

⁵ Associate Professor, Iranian Research Center on Aging, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran (Corresponding Author)

⁶ Malaysian Research Institute on Ageing (MyAgeing), Universiti Putra Malaysia, Malaysia